نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و ششم – شماره ۱۰۷۱

شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۲ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

افتخاری تاریخی برای ورزش بوشهر

بوشهری‌ها؛ خط آتشِ تیم ملی فوتبال در جامِ ملت‌های آسیا



فقر؛ دستاورد توزیع ناعادلانه ثروت در کشور

بوشهر و ظرفیت گردشگری خلیج فارس

لزوم تسریع در اجرای پروژه‌های عمرانی اداره بندر و دریانوردی خارگ



به گزارش روابط عمومی، محمد شکیبی نسب مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر اظهار کرد: خارگ با قدمتی دیرینه یکی از بنادر کهن در حوزه خلیج فارس است که عمده نفت کشور از این جزیره صادر می‌شود. وی بیان کرد: چنین جایگاه استراتژیک و ارزشمندی ایجاب کرده تا نگاهی راهبردی به این جزیره معطوف شود.
شکیبی نسب ادامه داد: ساختمان یگان حفاظت، تعمیر اساسی پایانه مسافربری و ساماندهی اسکله از طرح‌های در دست احداث جزیره خارگ است.
مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر تصریح کرد: در بازدید انجام شده روند اجرای پروژه‌ها مطلوب ارزیابی ولی با این حال ساز و کار لازم برای سرعت بخشی بیشتر به آنها انجام شده است.
وی افزود: بخش قابل توجهی از حمل و نقل مسافربری استان بوشهر با محوریت جزیره خارگ انجام می‌شود که اتمام تعمیرات اساسی پایانه‌های بوشهر و خارگ به ارتقا سطح کمی و کیفی خدمات این مسیر کمک شایانی خواهد کرد.
شکیبی نسب یادآور شد: با هدف تسهیل در خدمات رسانی به مسافران شناورها، بزودی سامانه عرضه بلیط الکترونیکی راه اندازی می‌شود. گفتنی است مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر و معاونین در سفر یک روز خود به جزیره با امام جمعه و بخشدار خارگ دیدار و همچنین پروژه‌های عمرانی اداره کل در این جزیره را مورد بررسی قرار دادند.

کاهش ۸۵ درصدی ورودی آب به سد رییسعلی دلواری بوشهر



مدیرعامل شرکت آب منطقه ای استان بوشهر گفت: میزان آبگیری سد رییسعلی دلواری شهرستان دشتستان از ابتدای امسال تاکنون، ۲۸ میلیون مترمکعب بوده که این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، ۸۵ درصدی کاهش نشان می دهد.
به گزارش ایرنا، علی محمدی در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار کرد: بررسی ها نشان می دهد که بارندگی سال آبی جاری استان بوشهر طی ۱۰ ماه اخیر نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، با کاهش ۵۳ درصدی مواجه است.با وجود کم بارشی، ۷۷ میلیون مترمکعب آب به منظور آبیاری اراضی کشاورزی باغی و زراعی، رها سازی شده است.
مدیرعامل شرکت آب منطقه ای استان بوشهر تصریح کرد: طی چهار مرحله از مهرماه تاکنون نخیلات شبکه های آبیاری آبپخش، سعدآباد، کلل و اراضی زراعی شبانکاره، آبپخش و سهم بران حاشیه رودخانه حله از آب رهاسازی شده از سد رییسعلی دلواری آبیاری شده‌اند.
محمدی ادامه داد: همچنین به منظور جبران کم بارشی، ۵۰ درصد آب بیشتر به اراضی کشاورزی پایاب سد رییسعلی دلواری تحویل داده شد.
وی عنوان کرد: کاهش شدید آب ورودی به سد خاییز که سال گذشته ۱۱ میلیون متر مکعب بود و اکنون به ۶ میلیون متر مکعب رسیده، نگران کننده است.
مدیرعامل شرکت آب منطقه ای استان بوشهر بیان کرد: سدهای تنگ ارم و ارغون به عنوان تامین‌کننده بخشی از آب دشتستان در شرایط مناسبی قرار دارند.
محمدی گفت: پیش بینی های انجام شده نشان می دهد که میزان بارش ها در ۲ ماه آینده کمتر از نرمال است.
وی یادآور شد: با توجه به محدودیت منابع آب سطحی و زیرزمینی و افزایش فشار بر منابع در دسترس، نیاز است کشاورزان اقدام به رعایت الگوی کشت، اصلاح شیوه های آبیاری و افزایش میزان بهره وری آب کنند.

موفقیت پزشک بوشهری در جشنواره «رازی» کشور



دکتر مجید اسدی، پزشک متخصص بوشهری پژوهشگر برتر بیست و نهمین جشنواره تحقیقات و فناوری علوم پزشکی «رازی» کشور شد.

موفقیت معماران جوان بوشهر در مسابقه طراحی خانه ارزان قیمت امارات

تیم اتلیه معماری راوی به سرپرستی مهندس میثاق بهراد و فاطمه درمسرا در مسابقه طراحی خانه ارزان قیمت برای شهروندان اماراتی بدرخواست بنیاد دبی به ریاست شیخ حمدان ولیعهد دبی موفق شد از طرحهای برگزیده جهت چاپ در کتاب سال بیلدنر در دنیا شود.
این طرح با خلاقیتی بنام خاک کوبیده اجرا میشود که از متدهای بازافرینی شده سنتی ایران است که در مناطق گرم و شرجی هست و باعث صرفه‌جویی انرژی است.
این مجموعه طراحی در شهر بوشهر مستقر است و چند پروژه خاص اجرا نموده و دارای چندین پروژه طراحی تحسین شده در کشور است.

جذب نخبگان در مرکز تحقیقات پزشکی هسته‌ای بوشهر

باقری‌لنکرانی، رئیس کارگروه جنوب فرهنگستان علوم پزشکی گفت: دانشگاه علوم پزشکی بوشهر توانسته مرکز تحقیقات پزشکی هسته‌ای و تصویربرداری مولکولی بوشهر را تأسیس کند که جذب‌کننده نیروهای نخبه نه‌تنها از استان بوشهر بلکه از سایر استان‌های دیگر هم باشد.

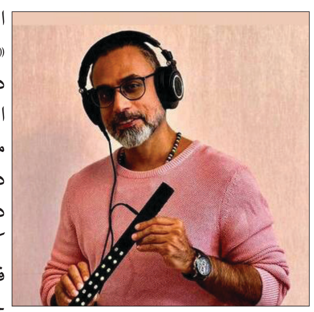
طارمی تنها نماینده ایران در تیم منتخب سال ۲۰۲۳ آسیا

فدراسیون بین‌المللی آمار و تاریخ فوتبال (IFFHS) تیم منتخب بازیکنان فوتبال آسیا در سال ۲۰۲۳ میلادی را به انتخاب کارشناسان خودش اعلام کرد که نام مهدی طارمی، مهاجم تیم ملی ایران در این ترکیب به چشم می‌خورد.

برخورد با به‌کارگیری اتباع غیرمجاز در واحدهای صنفی استان بوشهر

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر: به‌طور مستمر از واحدهای صنفی برای شناسایی و برخورد با به‌کارگیری اتباع خارجی غیرمجاز و جریمه کارفرمایان، بازرسی خواهد شد. در صورتی که هر کدام از صنوفی که اتباع خارجی غیرمجاز را به کار بگیرند، کارفرما برای بار اول معادل پنج برابر حقوق قانون کار برای هر روز به‌کارگیری و برای بار دوم معادل ۱۰ برابر جریمه خواهد شد و در صورت ادامه این روند از ۹۱ تا ۱۸۰ روز زندان در انتظار کارفرمایان خاطی خواهد بود.

محسن شریفیان از نسخه الکترونیک نی‌انبان رونمایی کرد



ایسنا/ محسن شریفیان از تولید نی‌انبان الکترونیک در قالب «لیانیک» که نسخه‌ای بومی از سازی مشابه در اروپا است، خبر داد.
اولین نسخه نی‌انبان الکترونیک ایرانی به نام «لیانیک» در ۳۰ دی ماه ۱۳۹۹ به همت محسن شریفیان (نوازنده نی‌انبان و آهنگساز) در یکی از کافه‌های شهر بوشهر رونمایی شد و طی این دو سال در حال ارتقا بود. «لیانیک»، نسخه‌ای بومی از سازی مشابه است که در اروپا برای هنرجویان و اهالی موسیقی، امکان تمرین را فراهم می‌آورد. بنابر آنچه محسن شریفیان گفته است، لیانیک جدید با تغییر در ساختار و ویژگی های فنی به زودی به تولید انبوه خواهد رسید.
«رقص فناوری با سازهایی از سرزمین‌مادری»، تعبیریست که محسن شریفیان در به کارگیری فنون مهندسی برای تولید نواهای موسیقی نواحی از آن یاد می‌کند.
این پژوهشگر موسیقی، تیم لیانیک را به عنوان پیشگام الکترو نواحی و آغازگر مسیر پویایی و رشد برای آموزش و نوازندگی در بخش موسیقی نواحی ایران بر شمرد و ابراز امیدواری کرد تا با کسب مهارت در بالا بردن کیفیت تولید انواع نواها و سازها، موجبات رشد و اعتلای صنعت موسیقی در حوزه ساخت و ترویج سازهای نواحی ایران و آموزش موسیقی به صورت علمی و عملی با هزینه مطلوب و قابل قبول برای اقشار مختلف جامعه میسر شود.
شریفیان، فعالیت‌های این تیم را بدون هیچ‌گونه حمایت دولتی، اسپانسر یا تامین کننده مالی، عنوان کرد و گفت که اگر دستندرکاران و مسئولان وزارت ارشاد و وزارت صمت از این حرکت فرهنگی حمایت کنند، فرصت‌های اشتغال برای جوانان متخصص ایجاد خواهد شد.
ساز جدید لیانیک دارای ویژگی‌هایی از جمله دارا بودن باتری شارژی لیتیومی با شارژر یو اس بی C، ولوم دیجیتالی، تایمر خاموشی اتوماتیک، تغییر گام، تغییر کوک و نمایشگر تنظیمات دستگاه است.

بوشهر میزبان دو جشنواره بزرگ ورزش‌های آبی ساحلی

سرپرست هیئت ورزش‌های دریایی و ساحلی استان بوشهر: استان بوشهر در حوزه گردشگری ساحلی و دریایی ظرفیت خاص و کم‌نظیری دارد و تلاش می‌شود با تعریف رویدادهای مختلف و توسعه زیرساخت‌ها، این ظرفیت در جهت ایجاد شور و نشاط اجتماعی استفاده شود.
با راه‌اندازی هیئت ورزش‌های ساحلی و دریایی در استان بوشهر از تیرماه سال جاری تاکنون چند جشنواره ورزش‌های آبی ساحلی در بوشهر برگزار و با استقبال خوبی هم مواجه شد.
هیئت ورزش‌های دریایی و ساحلی استان بوشهر اهتمام ویژه به رونق و تعمیم بیش از پیش این ورزش‌های آبی و ساحلی در استان داشته و در این زمینه تمام ظرفیت‌ها را به کار گرفته است.

نرخ فرزندآوری در بوشهر به ۱.۵ نفر به ازا هر خانواده رسید

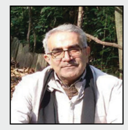
معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: میانگین نرخ باروری در این استان در دهه ۷۰، ۵.۴ دهم بوده در حالی که اکنون این عدد به ۱.۵ نفر به ازا هر خانواده رسیده است.
قاسم برجوئی‌فرد در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: با این شرایط موجود به ازای هر خانواده نیز جمعیت جایگزین ایجاد نمی‌شود
برجوئی ادامه داد: اکنون حدود ۶۷ درصد جامعه ایرانی جوان هستند و طی دو تا سه دهه آینده به همین میزان شاهد پیری جمعیت خواهیم بود که در کنار کاهش شدید نیروی انسانی برای نگهداری از سالمندان، هزینه های گزاف درمانی و مراقبتی نیز شامل می شود.
معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: این استان در رده چهارمین استان نابارور کشور قرار دارد که در کنار ارتقا زیرساخت های درمانی برای زوج هایی نابارور، نیاز است کار فرهنگی نیز در جامعه برای افزایش فرزندآوری انجام شود.

احداث بندر جدید در جنوب استان بوشهر

مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر گفت: با انعقاد تفاهم‌نامه با سرمایه‌گذاران، قطری‌ها یک بندر جدید در جنوب استان بوشهر در بندر دیر ایجاد می‌کنند. با توجه به مسیر کوتاه بندر دیر با بندر الرویس قطر به طول ۱۲۰ مایل دریایی طرح توسعه بندر با سرمایه‌گذاری صد میلیارد تومان در دست اجرا قرار گرفته است.

روزنامه جوان و ماری آنتوانت!

نان نیست، چطور کیک بخوریم؟!



دکتر سعید معدنی

روزنامه جوان اخیرا گله‌مند شده که چرا دولت‌ها به اقلامی مثل روغن و شکر و نان سوبسید داده و موجب چاقی ۱۶ میلیون ایرانی شده اند. مطلب روزنامه جوان را باهم مرور می کنیم:

شناسایی ۱۶میلیون ایرانی با «اضافه‌وزن بالا» در پویش ملی سلامت که وزارت بهداشت خبر داد، بهترین نشانه از رسوخ سیاست غلط یارانه‌های غذایی و نداشتن تفکر تغییر و نوآوری در دهه‌های طولانی است. چاق‌ها آنانی هستند که خودشان را با اقلام یارانه‌ای مثل شکر و نان و روغن زیان‌آور نباتی سیر می‌کنند. مسئولان چه در حوزه اقتصاد و چه کلان‌تر هنوز گمان می‌کنند که باید به آرد سفید و شکر و روغن نباتی که خوراک بیشتر مردم است، یارانه داد و افتخار کرد که خوراک مردم فقیر را تأمین کرده‌ایم! سپس توفان دیابت و چاقی و بیماری‌های قلبی و عروقی و آن انسان چاق فاقد کارایی و توان عملیاتی، می‌ماند روی دست بخش دیگر دولت‌ها!

نمی دانم پشت این مطلب چه قصد و نیتی وجود دارد. فعلا نیت خوانی نمی‌کنیم و همچنان می‌پذیریم دل نویسنده روزنامه برای فقرای چاق شده، سوخته است. ولی برای ما مشخص نکرده که از این ۱۶ میلیون مردم چاق، چه تعداد فقرا و چه تعداد ثروتمندان و اقشار مرفه هستند.

همین روزنامه شش سال پیش در سال ۱۳۹۶ –دقیقا ۱۸ مهرماه ۹۶– در یادداشتی به قلم سید عبدالله متولیان نوشت: «هم‌اینک بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی مراجع رسمی و دولتی، بیش از ۵۵ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر (فقر مطلق)، حدود ۱۵ درصد همتراز خط فقر، ۲۵ درصد تا حدی بالای خط فقر و تنها ۴ الی ۵ درصد در رفاه قرار دارند. بر این اساس با جرئت می‌توان گفت



بیش از ۵۰ میلیون نفر از جمعیت حدود ۸۰ میلیونی کشور یا در فقر مطلق زندگی می کنند یا همتراز خط فقر برای معاش خود تلاش می کنند»

دقت فرمودید در سال ۹۶ که قیمت ها بسیار پایین بود و مثلاً اتومبیل پراید که وسیله مصرفی و بعضاً وسیله درآمد طبقات محروم است ۲۱ میلیون تومان بوده و الان به ۳۵۰ میلیون تومان رسیده‌است. ایضا همه‌ی کالاها کم و بیش همین افزایش قیمت‌ها را داشته‌اند. اگر بنا به نوشته نویسنده‌ی روزنامه جوان، در سال ۹۶ حدود ۵۵ درصد مردم در فقر مطلق بوده و بیش از ۵۰ میلیون فقیر بودند، امروزه با توجه به افزایش وحشتناک قیمت‌ها جامعه به مراتب فقیر و فقیرتر شده است.

مردمان فقیر بالای ۵۰ میلیون – به اذعان خود روزنامه– صبح زود که از خواب بیدار می‌شوند نان خشکی را در استکان چای‌شیرین می‌زنند و می‌خورند و به امید آینده‌ی نامعلوم از خانه بیرون می‌زنند. سوال این است که اگر این خوراک حداقلی نان و روغن و شکر را گران‌تر کنند و به عبارتی آن را هم از اقشار کم درآمد بگیرند، پس آنان چه بخورند؟

این نوع پیشنهادهای فانتزی مناسب یک جامعه با ثبات اقتصادی، بیکاری پایین، دارای تورم تک رقمی، و در یک کلمه مرفه است، نه برای جامعه‌ای که در آن هر روز قیمت ها بالا می‌روند و جامعه فقیرتر می‌شوند و مردمانش وضعیت فردای خود را نمی‌دانند.

با خواندن این مطلب روزنامه جوان در سایت‌ها نمی‌دانم چرا یاد طنز تلخ منسوب به ماری آنتوانت آخرین ملکه فرانسه پیش از انقلاب فرانسه افتادم. می گویند ماری آنتوانت با کالسکه‌اش در خیابان می‌رفت که مردم معترض درمانده را در خیابان دید به همراهانش گفت این‌ها چه می‌خواهند. گفتند «اینها گرسنه‌اند و نان می‌خواهند. نان نیست» ملکه گفته بود « خب کیک بخورند!»

زندگی نزیسته ما ایرانیان؛ چرا زود می میریم؟

سجاد بهزادی



به باور «اروین‌دیالوم» نویسنده آمریکایی، کسانی هستند که با حجم زیادی از زندگی نزیسته به مرگ نزدیک می‌شوند. این روایت زندگی بسیاری از ما ایرانیان است.

مرکز رصد جمعیت سازمان ثبت احوال کشور، به تازگی اعلام کرده است: در ۹ ماهه امسال میانگین سنی فوت‌شدگان در کشور برابر با ۶۶ سال بوده است که در بین استان‌ها بالاترین میانگین سن مربوط به استان گیلان با ۷۱ سال و کمترین مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۵۰ سال است.

واقعا چرا ما زود می میریم و به قول «اروین‌دیالوم» با حجم زیادی از زندگی های نزیسته به مرگ نزدیک می شویم؟ متوسط عمر مردم ما و سن امید به زندگی در ایران چه نسبتی با میانگین جهانی دارد؟

از طرفی کیفیت زندگی شاید مهم تر از طول زندگی باشد. گیرم امید به زندگی در جامعه ما ۹۰ سال و میانگین سنی فوت شوندگان هم ۱۲۰ سال باشد. ما این میزان عمر را با چه کیفیتی سپری می کنیم؟ بسیاری از کارشناسان بر این باور هستند که جامعه ایرانی سال هاست با فقر زندگی نجیبانه ای دارد و در واقع به خاطر گذران زندگی روزمره خود، به نوعی فقر را مدیریت می کند.

مثلا در روزهای اخیر، آمار تازه‌ای از مصرف سرانه گوشت قرمز در بین خانواده های ایرانی اعلام شده که بسیاری آن را بهت‌آور توصیف کرده‌اند.

گفته می شود مصرف سالانه گوشت قرمز برای هر نفر در ۳ دهک فرودست جامعه، فقط ۷۰۰ گرم است! به عبارتی هر ایرانی متعلق به سه دهک کم‌درآمد که از قضا بخشی از مزد و حقوق‌بگیران شاغل و بازنشسته نیز در همین گروه قرار می گیرند، در هر سال یک کیلوگرم گوشت قرمز هم مصرف نمی کنند.

این در حالی است که براساس آمارها در سال ۱۳۹۰ سرانه مصرف گوشت قرمز در کشور ۱۳ کیلوگرم بوده است. یعنی در آن زمان هر ایرانی در طول سال، ۱۳ کیلوگرم گوشت قرمز مصرف می کرده است.

جالب این که ما هنوز گرفتار قحطی و اقتصاد «مالتوس» گونه هم نشده ایم؛ اما با این حال زود از پای درآمدیم و با حجم زیادی از زندگی های نزیسته به مرگ نزدیک می شویم.

اگر پیش بینی و «نظریه مالتوس» یک روز درست از آب در بیاید و فرمول رشد کشاورزی در این کره خاکی با فرمول رشد جمعیت نامتوازن شود و به دنبال فزونی جمعیت و کاهش تولیدات کشاورزی و بی تعادلی ایجاد شده؛ قحطی، جنگ ومرگ ومیر افزایش یابد، آن گاه وضعیت از این که هست برای جامعه ایران بسیار ناگوارتر خواهد شد و ما از بسیاری از مردمان جهان به پایان زندگی نزدیک تر خواهیم بود.

این روزها از پیری جمعیت در ایران زیاد سخن به میان می آید؛ در حالی که از پیری جامعه وبی انگیزه بودن افراد در سنین جوانی کم تر سخنی گفته می شود. چه بسا اینکه گزاره دوم، یعنی بی انگیزگی و پیری جامعه در سنین جوانی، خود می تواند مهم ترین عامل خلق گزاره اول، یعنی پیری جمعیت در ایران باشد.

در یکی از جدی ترین نگرانی ها ، حجت‌الاسلام درویشیان بازرس ویژه رییس جمهور اعلام کرده است «ما در یک تله بسیار بحرانی جمعیت گرفتار شدیم و اگر در پنج سال آینده نتوانیم از این تله عبور کنیم وضعیت بسیار اسفناکی در آینده خواهیم داشت، و در آینده بحرانی مهم‌تر از بحران جمعیت نداریم. درست است ناترازی گاز و آب به عنوان بحران مطرح شده است اما بحران پیری جمعیت، سرآمد همه بحران‌ها است.»

بله این هشدار جناب بازرس بسیار جدی است و جمعیت پیر و عدم رشد جمعیت برای هر کشوری می تواند یک زنگ خطر و بحران مهمی تلقی گردد.

اما چگونه جامعه ای را که میانگین عمر مردمانش این‌قدر کوتاه است و با حجم زیادی از زندگی‌های نزیسته به مرگ نزدیک می شود، می‌توان تشویق به داشتن فرزند بیش‌تر کرد؟

وجود و حضور ما در این هستی، تنها به خاطر زنده ماندن و مردن پس از چند سال زندگی نیست. بلکه ما هستیم تا با آرامش، زندگی با کیفیتی داشته باشیم.

وقتی گذران عمر با کیفیت باشد، هر چه بیش تر، بهتر. باید اراده فردی ما ایرانیان، تنها برای بقا در این عالم نباشد. تلاش برای بقا می بایست با امنیت و توسعه پایدار متوازن باشد و همه ما از زندگی خود لذت ببریم.

بنظر می رسد جمعیت انبوهی از جامعه ایران، امروز خود را در وسط فلاکت (Misery index) می‌بینند و هر چقدر دست وپا می زنند، زندگی برایشان روان نمی شود. وقتی فرد خود را در فلاکت می بیند دیگر کوتاهی و درازای عمر برای او چه فرقی می کند.

شاخص فلاکت همان در هم آمیختگی نرخ تورم و نرخ بیکاری است. شاخص فلاکت همان سطح پایین رفاه و رنج مضاعف است. ارقام هر دو رکن این شاخص در جامعه امروز ایران، بسیار نگران‌کننده است.

نظام حکمرانی اگر می خواهد جمعیت فزونی یابد یا این‌که جامعه را در حسرت زندگی نزیسته خود نگذارد، می بایست نمودار شاخص فلاکت را مهار کند. نموداری که هزار نکبت از آن می‌بارد. وقتی فلاکت باشد، ناامیدی هست؛ خودکشی هست و سایه مرگ بر زندگی ما سنگین‌تر از همیشه احساس می شود و آن گاه هیچ بعید نیست، مرکز رصد جمعیت سازمان ثبت احوال کشور، چند سال دیگر میانگین سنی فوت‌شدگان جامعه ایرانی را به جای ۶۶ سال ۵۵ سال اعلام کند.

زندگی آگاهانه

قربانی‌گری

حسین زیرراهی –مدرس توسعه فردی



سالها پیش مقاله‌ای از نویسنده هم‌وطن آقای حبیب احمدزاده خواندم که در آن به موضوع اپیدمی مظلومیت و قربانی‌گری پرداخته بود. می‌گفت از پایین‌ترین سطح که مردم عادی باشند از قربانی شدن می‌نالند تا بالاترین سطح حکومتی. مردم معتقدند قربانی سیاست‌های دولت و مسئولین دولتی قرار دارند، اصلاح‌طلبان می‌گویند مورد زورگویی اصولگرایان هستند و در نهایت سران ممکلت از زورگویی آمریکا و غرب می‌نالند. البته فهرست ایشان از این مفصل‌تر بود و اقشار بیشتری را شامل می‌شد.

وقتی به این سلسله‌مراتب مظلومیت و قربانی بودن نگاه می‌کنیم درست و منطقی به نظر می‌آید. در واقع هر که قدرت بیشتری داشته باشد به پایین دست خود زور می‌گوید. این روند تازگی هم ندارد. به درازای تاریخ و زندگی بشر تا بوده همین‌طور بوده است. نکته این‌جاست که قربانی خود هم‌زمان دارد به پایین دست ظلم می‌کند. شاید در این برهه زمانی در بالاترین حد اظهار مظلومیت و قربانی بودن مردم باشیم. گرانی، تورم، کم‌آبی، آلودگی هوا و نایابی گاه به گاه نیازمندی‌های اولیه مواردی است که دستمایه درددل‌های مستمر مردمی است. ولی مساله این‌جاست که تکرار هر روزه مظلومیت و قربانی شدن آیا فایده‌ای برای ما دارد یا خیر؟

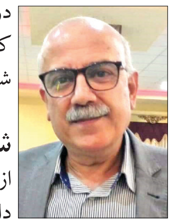
از نظر روانشناسی این حدیث پرتکرار و بی‌پایان یک سود کوچک دارد و چندین ضرر بزرگ. سود آن احساس سرخوشی و دل‌خنکی لحظه‌ای است که با گفتن آن به ما دست می‌دهد. مثل زمانی که از دست کسی ناراحتیم و به او ناسزا می گوییم یا غیبتش را می کنیم. ضررهای این کار یکی این است که احساس «درماندگی آموخته‌شده» را در ما تقویت می کند. چون ما زورمان به قلدر نمی‌رسد هرچه زورگویی‌هایش را بیشتر نقل کنیم مغز ما بیشتر قانع می‌شود که هیچ کاری از دستمان ساخته نیست. البته همیشه کاری هست که می‌توانیم در مقابل قلدری انجام دهیم ولی قطعا آن کار گفتن و حرف زدن در مورد آن نیست. دیگر این که تکرار آن باعث عادی شدن آن موضوع برای‌مان می‌شود. چه بسا لطیفه یا کارتونی هم از آن موضوع دست به دست کنیم. مثلا الان اختلاس و تورم برای مردم کاملا عادی شده است. سوم و بدتر از همه اینکه حالمان را بد می کند. یا بقول معروف روزمان را خراب می‌کند. میهمانی می گیریم که دور هم خوش باشیم آخر سر متوجه می‌شویم تمام مدت در مورد مسائل و مشکلات مملکت صحبت کرده‌ایم. خب در این شرایط چه کاری انجام دهیم بهتر است؟ یک اینکه تا جایی که می‌توانیم در مورد قربانی شدن صحبت نکنیم. وقتی هم کسی شروع به گفتن کرد به او کمک نکنیم. می‌توانیم ساکت بمانیم یا در مورد موضوع دیگری صحبت کنیم. دوم اینکه اگر واقعا ناراحت می‌شویم که قربانی زورگویی شویم خودمان به کسی زور نگوییم و او را قربانی نکنیم. خانواده، مشتری، ارباب رجوع، همسایه، همکار، محیط شهری، منابع طبیعی و محیط زیست همواره می‌تواند قربانی رفتار ما شوند.

خلاصه مطلب این که یا ظالم باشیم یا مظلوم نه هر دو. سوم اینکه تمرکزمان را بر کاری که به سود خود و جامعه باشد بگذاریم.

برشی از تاریخ توزیع دارو در بوشهر(۳)

داروخانه‌های استان بوشهر در سال ۱۳۶۵

هاشم هاشم‌زاده



در آغاز سال ۱۳۶۵ وضعیت کلی دارو در استان بوشهر به شرح زیر بود:

شرکت‌های توزیع دارو

از ۵ شرکت توزیع سراسری دارو در آن زمان، تنها ۲ شرکت در بوشهر مرکز پخش داشتند:

۱–شرکت داروپخش که از اواخر دهه ۵۰ نسبت به ایجاد دفتر و انبار نگهداری و توزیع دارو (تا آن‌جا که به یاد می آورم در منزل استیجاری آقای چینی واقع در سنگی) با مدیریت خوب آقای علی آتشکده آغاز به فعالیت نموده بود. آقای آتشکده که دزفولی الاصل ولی بزرگ شده اهواز بود پس از اخذ دیپلم متوسطه، جهت ادامه تحصیل به آلمان رفته بود و پس از اندک زمانی به وطن باز گشت و بدوا بعنوان نماینده علمی (ویزیتور) در شرکت هوخست ایران و سپس به استخدام شرکت داروپخش درآمد و پیش از انتقال به بوشهر، مدتی مدیریت شعبه بهبهان داروپخش را عهده دار بود. شرکت داروپخش نیز به دلیل بی‌مهری‌های مسئولین استان، در سال ۱۳۷۰ در بوشهر تعطیل و علی آتشکده به اهواز منتقل و بعنوان مدیریت شعبه خوزستان، مشغول به کار شد. ایشان پس از



انجمن شرکتهای صنعت پخش ایران
شعبه خوزستان

بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۱/۲۴
شماره: ۹۶/۲۱۸

مدیران محترم شرکت‌های عضو انجمن صنعت پخش خوزستان

سلام علیکم

در کمال ناباوری، صبح امروز خبر پرواز استاد علی آتشکده، همکار بزرگوار، مدیریت محترم بازنشسته شرکت توزیع داروپخش و پیشکسوت مدیران شرکتهای دارویی استان خوزستان واصل و اینجانب را به بُهت و ماتم نشاند.

برای اینجانب که از اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ تا یکی دو سال گذشته، بدواً در استان بوشهر و سپس در خوزستان در کنار ایشان به انجام وظیفه خطیر دارورسانی به مردم شایسته استانهای ذکرشده مشغول بودم، این ضایعه بسیار سخت و سنگین است.

از درگاه خداوند متعال رحمت و غفران روح آن مرحوم تازه‌گذشته و تندرستی و شکیبائی خانواده عزادار ایشان را مسئلت دارم.

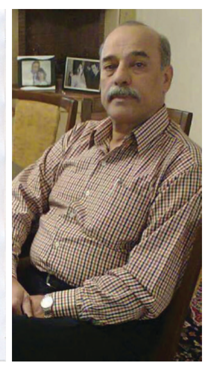
رفتی و رفتن تو آتش نهاد بر دل — از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل

با احترام
سید هاشم هاشم زاده
انجمن شرکتهای صنعت پخش خوزستان

رونوشت:
✓ معاونت محترم غذا و دارو جهت استحضار
✓ دبیر محترم انجمن داروسازان اهواز جهت استحضار
✓ دبیر محترم انجمن شرکتهای صنعت پخش ایران جهت استحضار

تصویر پیوست پنج

اهواز - پادادشهر خیابان دهم ساختمان هیراد طبقه سوم واحد ۸
تلفکس: ۳۳۵۵۴۱۵۰۳ - تلفن: ۳۳۵۵۴۱۵۰۴ - ۰۶۱
Http: www.ankhz.ir Email: ankhz@yahoo.com



شادروان علی آتشکده، مدیریت مرکز بوشهرشرکت داروپخش طی سال‌های دهه ۶۰

بازنشستگی در سال ۱۳۸۸، چند سالی را بعنوان مدیر و مشاور در برخی از شرکت های توزیع دارو مشغول بود و در تیرماه سال ۱۳۹۶، پس از عمل جراحی ناموفق کبد، در حالی که ساکن کرج بود، جان خود را از دست داد. یادش گرامی باد.

۲–شرکت پخش البرز در اوائل دهه ۶۰ انبار داروئی خود را در محل اداره سابق اوقاف واقع در خیابان بندر، با مدیریت آقای محمدرضا برآهنگ، که تا پیش از آن نماینده فروش ماشین آلات کشاورزی و داروهای دامی وارداتی در شرکت کی. بی. سی. (شرکت تضامنی برادران خسروشاهی) و مدیری باتجربه بود، راه اندازی نمود (مسئولیت ایشان در اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ به اینجانب واگذار گردید.

داروخانه های خصوصی و دولتی

در آغاز سال ۱۳۶۵ داروخانه های زیر در استان بوشهر فعال بودند:

الف)– شهرستان بوشهر:
۱–داروخانه صحت (عبدالرسول رجب پور)
۲–داروخانه سلامت (محمد حیدریان)
۳–داروخانه امید (ماشاءالله رجب پور)
۴–داروخانه ایران (حسین زارع)
۵– داروخانه تخت جمشید (حسین بصیرزاده)
۶–داروخانه توحید (دکتر حاتم کیارس)
۷– داروخانه دکتر بهمنش (دکتر سیما بهمنش)
۸– داروخانه ۲۲ بهمن (سازمان منطقه ای بهداری بوشهر)
۹–داروخانه بیمارستان امیرالمومنین (پایگاه هوائی)
۱۰–داروخانه بیمارستان پایگاه دریائی

ب)– برازجان:
۱–داروخانه ولیعصر (عباسعلی کریمی)،
۲–داروخانه دکتر فخرائی(دکتر محمود فخرائی)
۳–داروخانه شفا (حبیب خیر اندیش)
۴–داروخانه دکتر توکلی (دکتر کاووس توکلی)
۵–داروخانه دولتی ولی عصر (بهداری بوشهر)

ج) بندر گناوه: ۱–داروخانه مظفری (خلیل مظفری)، ۲–داروخانه دولتی ۱۷ شهریور.



د) اهرم: داروخانه دولتی ولی عصر (بهداری بوشهر).

ه) خورموج : داروخانه دولتی ۱۲ فروردین (بهداری بوشهر).

و) بندر دیر: داروخانه دولتی والفجر (بهداری بوشهر).

بندر کنگان: داروخانه دولتی وحدت (بهداری بوشهر).

بندر دیلم: داروخانه دولتی امیرالمؤمنین (بهداری بوشهر).

شهرستان جم: داروخانه مرکز درمانی جم (بهداری بوشهر).

جزیره خارگ: داروخانه دولتی بیمارستان خلیج فارس (شرکت نفت).

بندر ریگ : داروخانه دولتی (بهداری بوشهر).

لازم به توضیح است: مسئول فنی تمامی داروخانه‌های دولتی بهداری در آن برهه زمانی، مدیریت وقت امور داروئی استان بوشهر بود که ماهیانه یا دو ماه یکبار از آنان سرکشی می‌نمود.

در پایان از عزیزانی که طی ماه‌های گذشته، به محض برقراری ارتباط، درنهایت لطف و احترام، پرسش های اینجانب را پاسخ داده، موارد ذیقیمتی را به اینجانب یادآوری نمودند، سپاسگزاری به عمل می‌آورم:

–آقای دکتر جعفر جعفری، مدیریت وقت امور داروئی استان بوشهر.

–آقای سید عبدالمطلب عدنانی همکار اینجانب و مسئول فروش در مرکز بوشهر.

–آقای دکتر کاووس توکلی، موسس داروخانه دکتر توکلی برازجان در آن زمان.

–آقای دکتر حاتم کیارس، مدیریت داروخانه توحید بوشهر (خیابان سنگی، روبروی بسیج) در آن سال‌ها.



برخورد منقار پرنده به لالهٔ گوش

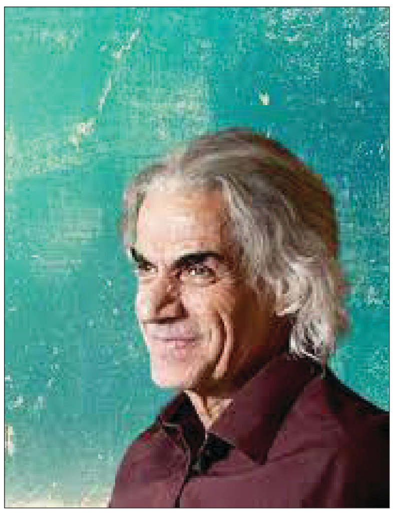
نقد و تحلیل اشعار دههٔ ۹۰ علی باباچاهی منتشر شد

نقد و تحلیل اشعار دههٔ ۹۰ علی باباچاهی، نظریه‌پرداز و شاعر معاصر به همت حسین باقری در کتابی با عنوان «برخورد منقار پرنده به لالهٔ گوش» از سوی نشر پاتیزه منتشر شد.

نویسندهٔ کتاب «برخورد منقار پرنده به لالهٔ گوش» در این باره به خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر گفت: این اثر پژوهشی است در باب اشعار منتشر شدهٔ علی باباچاهی با تکیه بر آرای ژاک دریدا که به همت نشر پاتیزه زمستان ۱۴۰۲ در ۱۵۰ نسخه به چاپ رسیده است.

حسین باقری ادامه داد: این کتاب، دربرگیرنده ۲۲۳ صفحه و چهار فصل است که در ۱۰ گفتار به تحلیل و توصیف ۱۰ مجموعه‌شعر منتشرشده این شاعر برجستهٔ معاصر در دههٔ ۹۰ شمسی می‌پردازد.

وی، اشراف منتقد را بر جهان متن و ساختار یک اثر ضروری دانست و افزود: بدون تردید آگاهی از ساختار و عوامل برسازندهٔ یک متن، زمینهٔ درک دقیق‌تر آن را فراهم می‌سازد. بنابراین منتقد به موازات توجه به جنبه‌های ادبی یک اثر، ضرورت دارد به عوامل شکل‌دهنده و بافت آن نیز نظر داشت.



باقری سپس با اشاره به خصیصه‌های شعری باباچاهی تأکید کرد: شعر علی باباچاهی که هم‌سو با جریان شعری دههٔ هفتاد از وجوه شعر شناخته‌شدهٔ پیش از خود فاصله گرفته بود، بیشتر انرژی خود را معطوف فرم و تکنیک شعر کرد تا به‌گونه‌ای معنادار از عوامل معنی‌ساز و دلالت‌مند متن عبور کند.

شاعر مجموعهٔ «معشوقه در کشو» ادامه داد: باباچاهی در این دوره بنا به ضرورت، به شرح و بسط نظریه‌های ادبی پرداخته که شاکلهٔ شعر دههٔ هفتاد و جریان‌های شعری زبان‌گرا را رقم زده بود. بنیاد نظری شعر باباچاهی در این دوره را تا حدود زیادی می‌توان، در پیوند با آرای اندیشمندان پساساختارگرا دانست که می‌کوشد هرگونه ساخت‌مندی و مرکزگرایی را به چالش بکشد. این دگرگونی اساسی شعر، به تعبیر باباچاهی نشان‌گر «شعر در وضعیت دیگر» است.

باقری بر این باور است که دههٔ ششم شاعرانگی باباچاهی (۱۳۹۱–۱۴۰۰) بسیار پربار و پرشمار بوده و دوره‌ای است که مؤلفه‌های نظری در لایه‌های زیرین شعر او رسوب می‌کند و جنبه‌های زیبایی‌شناختی می‌یابد.

این شاعر و منتقد ادبی درخصوص اسم کتاب و تناسب موضوعی آن توضیح داد: نام کتاب برگرفته از سطر شعری از باباچاهی است که پاره‌ای



از وجوه واسازی را بازنمایی می‌کند. چنان‌که واژهٔ «برخورد» تداعی کنندهٔ مواجههٔ فیزیکی است که تا حدودی بار منفی و احساس خشونت از آن متبادر می‌شود؛ اما دریدا با استدلال خود این رویکرد را پس می‌زند.

باقری یادآور شد: دریدا تاکید دارد هر متن دارای چند گفتمان است و دال‌ها به هیچ مدلول تثبیت‌شده‌ای ارجاع نمی‌دهند. این واکنش اولیه مخاطب، برآمده از متافیزیکی است که دریدا اعتقاد دارد نگاهی سلسله مراتبی و تقابلی به امور داشته که همواره می‌کوشد همه چیز را با اتکاء به باورها و انتظارات پیشینی، صورت‌بندی کند. در همین سطر شعر / عنوان کتاب می‌بینیم، واژهٔ «برخورد» با همنشینی مسألمت‌آمیزش کنار لالهٔ گوش، جنبهٔ‌زیبایی‌شناختی می‌گیرد و نه تنها زننده نیست، بلکه همچون گوشواره‌ای بر ظرافت متن افزوده است.

به گزارش ایبنا؛ حسین باقری، منتقد ادبی، شاعر، نویسنده و متولد پانزدهم تیرماه ۱۳۶۲ در شهر وحدتیه از توابع شهرستان دشتستان استان بوشهر است. وی دانش‌آموخته رشته‌های دریانوردی، مدیریت حمل و نقل دریایی (کارشناسی ارشد) و زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شیراز (کارشناسی ارشد) است. باقری در سال ۸۹ به عنوان دریانورد نمونه کشور معرفی شد. باقری در حال حاضر دانشجوی دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه یاسوج است.

داوری جشنواره ملی داستان کوتاه پرراس در سال ۹۷، داوری همایش داستان کوتاه مدارس سمپاد کشور در سال ۹۷، داوری جشنواره مجازی داستان کوتاه خلیج فارس سال ۹۹، داوری شانزدهمین دوره جشنواره ملی داستان‌نویسی رضوی در سال ۹۹، انتخاب به عنوان چهره ادبی شهر وحدتیه در سال ۹۷ و ... از جمله سوابق ادبی این نویسنده و شاعر جوان بوشهری است.

از افتخارات باقری در رویدادهای معتبر کشوری می‌توان به کسب عنوان برگزیده شعر در بخش ویژه (بومی) در سومین دوسالانه ادبی بوشهر، کسب عنوان برگزیده بخش شعر در جایزه ملی شعر جم در سال ۹۶، کسب عنوان برگزیده در جشنواره ملی داستان کوتاه پرراس در سال ۱۳۹۶، کسب عنوان برگزیده دومین دوره فراخوان کتاب‌های شعر بامداد با مجموعهٔ «با دهانم در دست تعمیر» و... اشاره کرد.

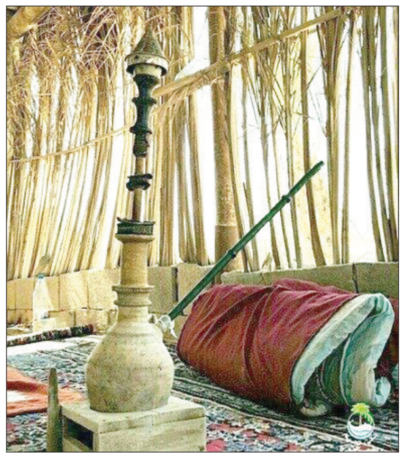
این شاعر و نویسندهٔ جنوبی تا کنون آثار متعددی را در حوزه شعر و داستان کوتاه راهی بازار کتاب کرده است که شامل مجموعه شعر «معشوقه در کِشو»، مجموعه داستان «سر گذاشتن روی زانوی ابن سیرین» و... می‌شود. وی همچنین امسال تازه‌ترین اثر خود را با عنوان «برخورد منقار پرنده به لالهٔ گوش» که پژوهشی در باب اشعار دههٔ ۹۰ علی باباچاهی است به همت نشر پاتیزه راهی بازار کتاب کرده است.

قلیون

احسان عبدی پور



پسر بزرگو کل بشیر در میومدُ قصدم می‌کردن!! خودم داشتم غرق میشدم و هر کی هم می‌رسید یه سطل آبی رو سرم می‌ریخت. گریه‌م گرفته بود. دنبال ممانم می‌گشتم لای زنا که ول کنم برم زیر چادرش و غیب بشم ولی نمی‌دیدمش. تنباکوا



قاطی شدن... از چاربستِ کمر داشتم میلرزیدم... تنگسیر با تنباکو خیلی ناموسی برخورد می‌کرد. به از روی نکبت یا کمبود امکانات یا هر چی که بود، درست تو سنی که بچه ژاپنیا تو فکر درُس کردن رباتُ مدار الکتریَکیُ هواپیمای کنترلی بودن، مو عاشق چاق کردن قلیون بودم.

یکی که میمُرد عیشُم بود. مردا و زنا، بعدی که دم در تو بغل صاب عزا از گریه کول می‌زدن، راهشون کج می‌کردن میومدن سمت‌مو هموجور که مفِ چُر کرده شون می‌گرفتن، مث امنیتیا که قبل پروازِ کلتاشون تحویل حراست میدن، یواش نایلون تنباکوشون از تو جیب در میوردنُ میذاشتن تو مُشتم. یی یعنی که: مو یه قلیون کِشِ مولف به حساب میام و هر تنباکویی از هر ژانرَی که بدنم نمی‌کشم.

زدُ کل بشیرِ تنگسیر مُرد. غیر از رییسعلی که اسیر خاک بَود، آن‌چه تنگسیر رو سیاره‌یِ زمین می‌زیست خودشون رسوندن بوشهر و لاکُ لیک کنان ریختن تو خونه ی کل بشیر. لحظه ای به خودم اومدم که هیفده تا پَکِ تنباکو تو دستم بودُ تا میومدم حفظ کنم کدومشُ کی داده دستم، سه نفر دیگه مُفکِ مُفک کنون از بغل سردار، چیش دیده بودم که مرحوم کل بشیر سر قلیون، خدابیامرز خاتونُ پهن کرد وسط حیاطُ از سر مغرب تا اخبار ساعت نُه کوبیدش. یهو میشتِ خیری اومد تو خونه ی مَنقلی و گفت:«زود باشَ نِه! زود باش مردا منتظر قلیونَن. اول هم قلیون رییس حسین چاق کن» و رفت.

سیل لای در کردم. یکی نصف صورتش سیبیل بود. اگه او رییس حسین نبود پس رییس حسین دیگه چه غولمکی بود؟ به لحظه‌ی فکر کردم که اولین تنگسیر رو قلیونش پُک می‌زنه، بعد یهو سرشو بالا میاره و غضبناک نعره میزنه: یی تنباکو مو نیس! تنباکوم کجاااان؟ و دومی و سومی و چارمی و به رییس حسین که برسه و رییس که برگرده و نگام کنه، تنگسیرا از مو چه باقی می‌ذارن؟! گلوم تنگ شد، خواستم تو خودم بشاشم که زدم زیر گریه... دویدم وسط حیاط و زدم زیر گریه، زیر نعره! تو خاکا پلکیدمُ با هق هق نعره زدم: کل بشیر....کل بشییر! مو دوسِت داشتم سی چه مُردی کل بشیر!

زنا دویدن سمتم. سردارِ کل بشیر اومد بغلم کرد، تنگسیرا هم اومدن. دختَرای کُلِ بشیرکه دیدن مونه غریبه سی بباشون چه لاکُ لیکی می‌کنم، بنا کردن تو سر زدن. شیون در گرفت. عزایی بر پا شد که هنو بعدِ بیست سال تو رنکینگ اوله!

هنو که هنوزه، سردار هر جا می‌بینتم می‌گیره سرم ماچ می‌کنه. فقط رییس حسین موند تو اتاقو نیومد. شک داشت بی وجدان.

نگاهی به فیلم سوداگران درد

تجارت مرگ‌بار با سلامتی انسان‌ها

دکتر محمدجعفر ایزدپناه



فیلم «سوداگران درد» بر اساس یک مقاله جنجالی نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۸ ساخته شده است. ماجرای فیلم واقعی است. نویسنده مقاله «ایوان هیوز» از فساد یک شرکت دارویی برای فروش داروی مخدر حاوی فنتانیل پرده برمی‌دارد. فنتانیل ماده مخدری است که صد برابر از مرفین قویتر است و برای تسکین درد بیماران سرطانی تجویز می‌شود، شدیدا اعتیادآور است و ترک کردنش به همان میزان مشکل‌تر است. بیمارانی که به این دارو وابسته می‌شدند پس از مدتی اوردوز می‌کردند و جان خود را از دست می‌دادند. این رسوایی باعث شده بود مردم اعتمادشان را به جامعه پزشکی و کمپانی‌های داروسازی از دست بدهند. برای همین دولت وارد شد و جلو ادامه این تجارت مرگ‌بار را گرفت. بر اساس این مقاله درسال ۲۰۲۰ کتابی بنام the hard sell منتشر شده که به فارسی «چرب زبانی» ترجمه می‌شود یا بقول خودمان انداختن یک کالا می‌باشد و کنایه از فروش داروی مخدر با دادن رشوه به پزشکان می‌باشد.

فیلم گوشه چشمی به فیلم «گرگ» وال استریت اثر «مارتین اسکورسیزی» دارد. داستان درباره جنگندگی فروشنده گمنامی است که زندگیش به ته خط رسیده و در حالی‌که همه چیزش را باخته با پافشار، مشتریانش را وادار به خرید کالایش می‌کند و وضعیت شرکت را زیر و رو می‌کند. صحنه‌های پارتی‌های شبانه و زندگی لاکچری کارمند موفق شبیه به فیلم «گرگ» وال استریت است و در پایان طمع فراوان آدم‌ها که باعث سقوط‌شان می‌شود، بیننده را به یاد فیلم «اسکورسیزی» می‌اندازد. قصه فیلم سوداگران دردسرساز است و کارگردان در حدود دو ساعت زمان فیلم قصه‌اش را سرگرم‌کننده روایت می‌کند.

با وجود افشاگری درباره فساد جامعه پزشکی امریکا اما کارگردان نگاه ناامیدی ندارد و در پایان نشان می‌دهد که در دل نظام سرمایه‌داری هنوز هم انسان‌های باوجدان و مسئولیت‌پذیری وجود دارند که حاضر نیستند به بهای قربانی شدن بیماران، به ثروت برسند.

کارگردان فیلم «دیوید ییتس» بریتانیایی است که تا قبل از این چند فیلم افسانه‌ای از «هری پاتر و جانوران شگفت‌انگیز» را کارگردانی کرده بود. فیلم‌های قبلیش پر از جلوه‌های ویژه بوده، ولی در تجربه جدیدش به سراغ یک سوژه مستند رفته که در مکان‌های واقعی فیلمبرداری شدند و به خوبی از پس این کار برآمده است.

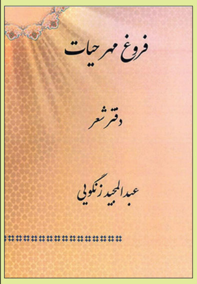


از نظر اکثر مردم جهان، نظام سلامت امریکا از استاندارد بالایی برخوردار است و پزشکان امریکایی مورد اعتماد جامعه هستند. برای همین افشاگری از فسادی که در جامعه پزشکی رخ داد برای مردم شوکه‌کننده بود.

در ابتدای فیلم شخصیت اصلی فیلم به نام «لیزا» در حالی‌که همه چیزش را از دست داده، به طور اتفاقی با دلال شرکت داروسازی آشنا می‌شود و به دلال می‌گوید که من هنر شناخت آدم‌ها را دارم و از روی کفش واکس خورده و ظاهر مرد می‌گوید تو احتمالا در یک شرکت داروسازی کار می‌کنی. دلال از نبوغ لیزا خوشش می‌آید و از او می‌خواهد در شرکتش استخدام شود. هوش لیزا در شناخت آدم‌ها به کمکش می‌آید و در ادامه داستان نقاط ضعف پزشکان را شناسایی می‌کند و از آن‌ها برای تجویز بی‌رویه داروی مخدر سوءاستفاده می‌کند.

آدم‌های داستان باورپذیر هستند به هر حال پزشکان هم آدم هستند و مثل هر کسی نقطه‌ضعف دارند. در یک صحنه «لیزا» از مکالمه پزشک یک کلینیک درمان سرطان با وکیلش متوجه می‌شود که در زندگی شخصیش دچار مشکلات شدید شده و زنش اموالش را بالا کشیده و دچار تنهایی و افسردگی شدید شده لذا برای راضی کردن پزشک وارد رابطه عاطفی با او می‌شود. دلال شرکت در ابتدای داستان در یک جلسه ناامیدکننده که شرکت را در معرض ورشکستگی می‌بینند موقعی که می‌خواهد «لیزا» را به رییسش معرفی کند به دروغ می‌گوید لیزا دارای دکترای داروسازی از دانشگاه معتبر است برای همین در ادامه از دیدن رفتارهای کاسبکارانه‌اش تعجب نمی‌کنیم و می‌پذیریم که ما هم اگر جای او بودیم شاید برای نجات زندگی‌مان دست به این کار می‌زدیم.

«فروغ مهر حیات» از قلم عبدالمجید زنگویی تابیدن گرفت!



«فروغ مهر حیات» آخرین کتاب شاعر توانمند بوشهری عبدالمجید زنگویی است که به تازگی به چاپ رسیده و روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفته است.

این ادیب، محقق و شاعر برجسته، سروده‌های خود را در قالب‌های مختلف شعری اعم از مثنوی، غزل، قصیده، رباعی، دوبیتی، نیمایی و... در این کتاب آورده و در اشعار خود، مضامین و موضوعات مختلفی را با خوانندگان به اشتراک گذاشته است. نکته‌ی جالب، این‌که کتاب، بخشی هم به نام «بازیافته‌ها» دارد که اشعار پیش از انقلاب مربوط به دهه‌های چهل و پنجاه و دوران جوانی شاعر را شامل می‌شود. این سروده‌ها در جابه‌جایی‌ها و... گم شده و اینک پس از سال‌ها به طور اتفاقی، اشعار مذکور بین دفاتر و کاغذها پیدا می‌شوند و صفحاتی از کتاب «فروغ حیات مهر» را به خود اختصاص می‌دهند.

پیش از این، از محقق و شاعر پرکار بوشهری، آثاری از جمله «شب قطبی»، «از قبیله عیاران»، «سرود نخل و دریا»، «با چراغ دوستی»، «آهنگ سربلندی»، «خانه پیدا نیست»، «گلواژه‌ی تر»، «همیشه عاشق و سرمست»، «آهسته به گوش گل» و... به چاپ رسیده است.

«فروغ مهر حیات» با ۱۶۸ صفحه، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۰۰ هزار تومان به علاقه‌مندان شعر و ادبیات عرضه شده است.

توجه شما خوانندگان محترم را به چند سروده از این دفتر شعر جلب می‌کنیم:

نمودِ شعر من و جوهر کلامم باش
فروغ مهرِ حیات و مهِ تمامم باش
طلوع صبحِ امیدی، نوای جان‌بخشی
صفای گلشن شعری، زلال جامم باش
قیام قامت عشقی و مظهر شوری
شکوه و شوکت و آرامش مدامم باش
مسیر خانه‌ی مقصود می‌پزم در سر
طلایه‌دار من و مشعل قیامم باش
اگر چه جور بدیدی ز چند چهره زمان
به هم بریز زمان، رشته‌ی قوامم باش
هزار غائله بر جان من فرود آمد
تو را به عشق قسم، دستگیر و رامم باش
بیا که غائله‌ها را ز ریشه برفکنیم
بیا مکمّل من، روحبخش کامم باش
به عشق کوش و حذر کن ز رنگ و شعبده‌ها
غزل بخوان و در اندیشه‌ی پیامم باش

***

ابلیس به حیله یافت ره، در دل ما
بازیچه شدیم و بیش شد مشکل ما
بربود دل و امان و اندیشه ز ما
بشکست غرور و طاق سرمنزل ما

***

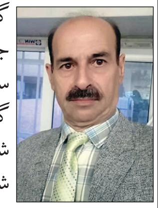
این قصه، هزاره‌ها بگفتند به ما
نسلی ز پی نسل سپردند به ما
کآزادی و مهر، واژه‌های ازلی است
چون شد که به جز قهر ندادند به ما؟

***

پیداست دم خروس، سوگند چرا؟
با خلق به مهر باش، ترفند چرا؟
تا کی به دروغ و حقّه می‌سازی و مکر
در صدق و صفا کوش، غل و بند چرا؟

راه‌های رونق صنعت گردشگری در کشور

دکتر عباس حاتمی



گردشگری از لذات زندگی جهان‌شمول است. از نظر سازمان جهانی گردشگری؛ گردشگر کسی است که از شهر محل زندگی خود وارد شهر یا کشور دیگری می‌شود و حداقل ۲۴ساعت در شهر مقصد اقامت می گزیند. بنابراین پیله وران وکسانی‌که برای تغییر ویزا به کشور سفر می‌کنند گردشگر محسوب نمی شوند.

بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، شمار گردشگران جهان در سال ۱۹۵۰حدود ۲۵ میلیون نفر، در سال ۱۹۸۰به ۲۷۷ میلیون و در سال ۱۹۹۰ به ۴۳۸ میلیون نفر رسیده است. سازمان جهانی گردشگری ایران را از نظرجاذبه‌های گردشگری در سال ۲۰۰۹ در رتبه دهم و از نظرتنوع زیستی در رتبه پنجم جهان قرار داده است؛کشورهای چین؛ یونان؛ مصر؛ فرانسه؛ آمریکا؛ ایتالیا و اسپانیا از نظر جاذبه‌های گردشگری در رتبه‌های اول تا هفتم قرار داشتند. طبق همان گزارش در سال ۲۰۰۹ درآمد صنعت گردشگری در جهان ۸۰۰ میلیارد دلار و تعداد گردشگران نیز۸۰۰ میلیون نفر بوده که در سال۲۰۱۰ به ۹۰۰ میلیون نفر رسیده است (رشد۱۲درصد) یعنی هر گردشگر بطور متوسط یک هزار دلارخرج می‌کند.

آمریکا در سال۲۰۱۰ با کسب ۹۲ میلیارد دلار از نظر درآمد مقام اول بوده و بعد ازآن بترتیب اسپانیا (۵۳ میلیارد دلار)، فرانسه(۴۹)، ایتالیا(۴۰)، چین(۳۹) قرار داشتند. درآمد ترکیه۲۱میلیارد دلار؛ مالزی۱۵؛ تایلند۱۰؛ مصر ۸ و ایران کمتر از یک میلیارد دلاربوده است.

رشد صنعت گردشگری در کشورهای توسعه یافته در سال ۴ درصد و در کشورهای درحال توسعه ۸ درصد و در آسیا ۱۳درصد بوده است.

ورود هر۳ گردشگر بطور متوسط یک شغل در کشور مقصد ایجاد می‌کند. توریسم با آشناکردن ملتها با یکدیگر ضد جنگ و خشونت است و از ارزش‌های اجتماعی دمکراسی محسوب می‌شود.

بر اساس آمار سازمان گردشگری ایران در سال۱۳۹۲حدود ۴ میلیون نفر گردشگر خارجی به ایران سفرکرده‌اند و حدود ۶ میلیون ایرانی نیز در همان سال به خارج از کشور عزیمت نموده‌اند. لازم به ذکر است ورود مهاجران افغانی و پاکستانی جویای کار به ایران توریست محسوب نمی‌شود.

طبق گزارش اداره گردشگری ترکیه در تابستان ۹۰ روزانه ۵۰۰۰ نفر ایرانی به آنتالیا سفرکرده‌اند.

گردشگران به مقصدآمریکا و اروپا اکثرا علمی و تجاری هستند ولی گردشگران به مقصد ترکیه؛ تایلند و هند اغلب جهت تفریح و شادی به آن کشورها سفر می نمایند.

سازمان بین‌المللی گردشگری مردم فنلاند را خوش سفرترین افراد کره زمین در سال۲۰۱۳ معرفی کرده است، هر شهروند فنلاندی بطور متوسط در سال۷،۵ سفر (۱،۷خارجی و۵،۸ سفر داخلی) داشته است، آمریکائی‌ها در رتبه دوم و سوئدی ها در رتبه سوم داشتند.

علت ازدیاد سفر در کشورهای اسکاندیناوی زمستان سخت، درآمد بالا، هزینه بالای زندگی و بیکاری عنوان شده است.

عواملی که در جذب توریست موثر است:

۱-پایین بودن هزینه‌های خدمات عمومی مثل هتل؛ مواد غذایی؛ حمل و نقل؛ مثلا در تایلند این خدمات خیلی ارزان و مشتری پسند است.

در سال ۲۰۱۸ مجمع جهانی اقتصاد رتبه ایران را از میان ۱۴۰ کشور در جذب گردشگر خارجی ۸۹ اعلام کرده است.

ترکیه و تایلند ارزان‌ترین بودند. دبی نیز با ۱۵ میلیون گردشگر بهترین شهر گردشگری بود.

عربستان با تغییر قوانین داخلی در حال رقابت با ترکیه و دبی برای جذب گردشگر هست.

۲-پذیرش تنوع فرهنگی توسط شهروندان کشور مقصد و وجود آزادی‌های اجتماعی.

طبق نظرسنجی یک سایت بین‌المللی در سال ۲۰۱۱



شهروندان کشورهای برزیل و فیلیپین به ترتیب با ادب‌ترین در برخورد با گردشگران خارجی و شهروندان کشورهای فرانسه، روسیه، انگلیس، آلمان و چین بی‌ادب‌ترین بودند.

۳-داشتن جاذبه‌های توریستی مثل آثار باستانی؛ مراکز خرید با قیمت مناسب (قدرت پول ملی کشور مقصد)؛ سواحل دریا؛ نمایشگاه‌های بین‌المللی؛ مراکز علمی برای متخصصان؛ اماکن شادی مثل باشگاه‌های خنده در هند؛ کارناول‌های شادی در برزیل؛ پارک آبی و مناظر طبیعی در تایلند.

۴-سرمایه‌گذاری بخش خصوصی درصنعت توریسم و آزادی اقتصاد.

۵-آشنایی شهروندان با زبان‌های خارجی بویژه زبان انگلیسی و سلیقه های ملل مختلف (آشنایی شهروندان باسواد بین المللی).

۶-تسهیل قوانین کنسولی؛ گمرکی و فرودگاهی (مثل حذف روادید).

۷-معرفی جاذبه‌های توریستی از طریق رسانه‌ها و فرهنگ و تمدن آن کشور.

۸-وجهه و اعتبار بین‌المللی کشور مقصد در نزد افکار عمومی جهانیان (قدرت نرم).

۹-نظام سیاسی با ثبات و دمکراتیک. مثلا مصر و روسیه جاذبه توریستی بالایی دارند ولی نظام سیاسی آنها غیردمکراتیک است که باعث ناامنی سیاسی؛ اجتماعی و اقتصادی می گردد و گردشگران را دلسرد می‌نماید .

۱۰-جهت تقویت صنعت گردشگری و جلوگیری از افسردگی ملت، همان طوری که دولت به گردشگران زیارتی به مقصد سوریه؛ مکه و کربلا یارانه غیر مستقیم می‌دهد، به گردشگران توریستی نیز کمک کند و از آن‌ها عوارض خروج از کشور دریافت ننماید.

الگوی رفتاری گردشگران در بوشهر

منصورحاجی‌پور، مدرس گردشگری



شناخت محصول گردشگری

محصول چیزی است که برای تامین یک نیاز عرضه می شود. معمولا مفهوم محصول، تنها به اشیای فیزیکی محدود نمی‌شود و به هر چه که بتواند نیازی را ارضا کند اطلاق شود.

در واقع محصول گردشگری هر چیزی است که گردشگران آن را تجربه می کنند.

در یک تقسیم‌بندی محصول گردشگری را می‌توان به اجزاء ملموس و غیر ملموس تقسیم کرد.

ویژگی های متمایز خدمات نسبت به کالا:

ناملموس بودن، تفکیک ناپذیر، غیرقابل ذخیره بودن ، نامشابه بودن، عدم امکان انتقال.

گردشگران در بوشهر از کدام الگوهای رفتاری پیروی می کنند؟

همان‌طوری که در بالا توضیح داده شد. هر فردی می‌تواند شیوه خاصی برای تصمیم گیری داشته باشد و متغیر های اثر گذار برتصمیم هایش با دیگران فرق کند. از طرف دیگر هر مقصد چند عنصر اساسی دارد که بازدید کننده را جذب و نیازهایش را برآورده می کنند. این عناصرعبارتند از: جاذبه ها، تسهیلات رفاهی، قابلیت دسترسی، تصویر ذهنی، قیمت و منابع انسانی آموزش دیده. هماهنگی این عناصر به عهده مدیریت مقصد است. چنان‌چه زیر ساخت ها، و امکاناتی جهت انجام انواع ورزش ها و تفریح های دریایی و گردشگری ساحلی(قشر جوان تفریحات مفرح و انرژیکی نظیر کایت، غواصی، پاراگلایدر و انواع ورزش‌های آبی، ماهیگیری و..) و ... فراهم گردد. قشر جوان بیشتر تمایل به مسافرت به استان بوشهر را خواهند داشت.

ایام نوروز نیز بیشتر گردشگران از استان های فارس، کهکیلویه و بویر احمد و اصفهان با خانواده از طریق زمینی وشهروندان تهرانی از طریق هوایی به استان سفر می کنند.

هدف مسافرت تعدادی از خانوادها به استان بوشهر بیشتر خرید کالاهای خارجی می‌باشد. ضمنا تعداد قابل توجهی از مسافران که در ایام نوروز و روزهای تعطیل در طول سال به استان بوشهر سفر می‌کنند بیشتر وقت خود را درسواحل دریا صرف می‌کنند.

نتیجه این‌که، مدیریت مقصد به دنبال دریافت بازخورد کیفی از گردشگران (انواع گردشگران) نبوده تا با اولویت بندی نسبت به تامین نیاز ها ونیز رضایتمندی آنان اقدام عملی نماید. قابلیت تطبیق مقصد با روندهای جدید، بازارهای در حال تغییر و محیط رقابتی بازار، بسیار ضروری است.

ناگفته پیداست که مهمان نوازی مردم استان یکی از عوامل بسیار مهم در جذب گردشگران می باشد.

کاربری‌های گردشگری در شهرها

کاربری های مربوط به بخش گردشگری باید با توجه به نقش گردشگری شهری که شهر پذیرای آن شده است، مورد توجه وارزیابی دقیق قرار گیرد و اهمیت و نقش آن روشن گردد.

مهم ترین عوامل موثر در ارزیابی اهمیت کار بری های شهری عبارت اند از :

۱-ارزش و اهمیت اقتصادی و میزان جاذبه هر کاربری در زمینه اشتغال
۲-اهمیت و نقش فرهنگی- اجتماعی کاربری
۳-ارزش و کارکرد مذهبی
۴- اهمیت و زمینه اسطوره‌ای و تاریخی
۵- نقش و اهمیت هر کاربری در تامین نیازهای اولیه و ثانویه ساکنان
۶-کارکرد و نقش سیاسی

مشخص شدن نوع کاربری گردشگری در شهر سبب تغییر نگرش مردم ومسئولان به عناصر شهری می شود. شهری که می خواهد صنعت گردشگری در آن نقش بر جسته ای داشته باشد باید نگرش متفاوتی نیز به کاربری گردشگری داشته باشد.

عمده ترین کاربری های گردشگری شامل:

انواع هتل(هتل تفریحی، هتل فرودگاهی، هتل سنتی، هتل پانسیون هتل مالکیت زمانی، ریزورت هتل)، انواع متل، مهمانسرا، مهمانپذیر، مجتمع‌های گردشگری، اردوگاه های گردشگری، کمپ های اقامتی، هتل های سبک زندگی، زائرسراها، خانه دوم، انواع رستوران، چایخانه سنتی، موزه‌ها، بافت‌های تاریخی، بناهای تاریخی ثبت شده، محوطه‌های باستانی، انواع کاروانسرا، انواع کافی شاپ، کارگاه‌ها و بازارچه‌های فروش انواع صنایع دستی، مناطق نمونه گردشگری، دفاتر خدمات مسافربری، دفاتر اطلاع‌رسانی به گردشگران در سطح شهر ها، سواحل دریا و زمین‌های که جهت کاربری گردشگری مشخص شده اند. مکان‌های ویژه پلاژها و باشگاه ها و مکان‌هایی که جهت فعالیت‌های تفریحی در ساحل دریا تعین شده باشند، البته عمده کاربری فضاهای سبز، مجتمع‌های



فرهنگی نر، محل نمایشگاه‌ها و... می توانند بخش مکمل گردشگری باشند.

گردشگری روز به روز در حال گسترش است، بنابراین باید به زمین‌هایی که در آمایش سرزمین و در طرح جامع گردشگری به گردشگری اختصاص یافته است، حفظ شوند. ولی متاسفانه در بعضی از شهرهای استان بخشی از این زمین‌ها، تغییر کاربری یافته و آن‌طور که باید و شاید در حفظ این زمین‌ها حساسیتی وجود ندارد.

گردشگری در شهرها نیزحاصل سه تغییر اجتماعی است:

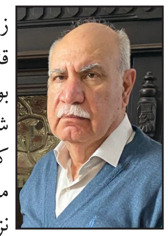
۱-توسعه زیر ساخت های حمل و نقل
۲-افزایش درآمد خالص (قابل تصرف)
۳- بهبود دسترسی به فن آوری های ارتباطی

اگر شهر نتواند تصویر مناسبی از پیشرفت ارائه کند و یا در واقع شهرها نتوانند نشان تجاری گردشگری شهر را فراهم سازند، دیدگاه منفی را توسعه و اشاعه می دهد.

یادی از قناد محبوب و دلسوز، زنده یاد ماندنی قمری

خوبی‌های یک شیرینی فروش بوشهری

غلامرضا شریفی خواه



زمانی در بازار قنادی قدیم بندر بوشهر یکی از شیرینی‌فروش‌ها که در بندر و محلات دور و نزدیک شهره خاص و عام بود به نام «ماندنی» که معروف به «ماندنی قرصی، پشمکی» که از خوبی‌های او در بین مردم نقل می گردید.

وی از سنین جوانی نزد عموی خود «کل ابریم» «کربلایی ابراهیم کهزاد» از قنادان قدیمی و مشهور، به شاگردی مشغول و در ساختن شیرینی هم کنجکاو بود. تا این که بعد از فوت ایشان ماندنی در همان مکان دکان به کسب و کار ادامه داد.

اهالی مردم از دهه سی خورشیدی از آن بزرگوار خاطره‌ها دارند، همیشه در حین فروشندگی با مشتریان با خوش و بش و خنده‌رویی رفتار می کرد. دکانش از نظر چیدمان اقلام شیرینی ها درهم و برهم بود و انتخاب نوع دلخواه برای خریداران مشکل.

در زمان بچگی ما، به پول خُرد پول سیاه می گفتند که کم‌ارزش‌ترین آن ده شاهی برابر با نیم قران (نیم ریال) بود. وقتی که بچه‌ای می‌خواست با آن چِلِسمه‌ای بخرد و دکاندارانی بودند مانند ماندنی مهربان و محمد گرمسیری «کوماچ فروشی» و ... آن سکه ده شاهی را عودت می‌دادند و مقداری شیرینی و یا کوماچ به آن بچه می‌داد و حتی بعضاً که پولی نداشتند با نگاه کردن به شیرینی‌های ماندنی و حسرت آن و چرخاندن زبان در دهان، این مرد شریف متوجه می گردید و دلش به رحم می‌آمد و فوراً برگ کاغذی از کتاب و یا دفترهای باطله را برداشته و با دست «غمچی» مقداری از شیرینی‌های داشته خود را برای آن‌ها در کاغذ ریخته و هدیه می‌داد و آنان را از خوردن محروم نمی کرد و دایم سعی داشت کام دیگران را شیرین سازد. انسانی فِرز و کاری و دستی هم در تهیه شیرینی‌پزی داشت تا آن جایی که یک تنه می‌توانست زولیبی (زولبیا) و یا مسقطی و ... تهیه کند. وسیله رفت و آمدش به دکان و به محلات دور، یک دوچرخه هرکولس انگلیسی سیاه رنگ ۲۸ بود که در کنار دکانش جای می داد و مرتب تمیز می کرد و با آن وسیله هر روز مقداری از شیرینی‌های خود را به طور جداگانه در کاغذی می‌پیچاند و در محله‌ها به خدمت مردم نیازمند می‌برد. فروشنده شیرینی‌هایی از قبیل «خروس قندی، قرصی آب نبات نعناعی، پشمک، حلوا نونک، حلوا سنگک، گز، زولیبی، حاج بادام، شکرپنیر و ...» بود. ماندنی شخصی مؤمن بود. او علاقه شدیدی به خاندان ائمه اظهار داشت و در مراسمات اعیاد و عزاداری مذهبی در ماه‌های محرم و صفر در صف خدمتگزاران و سینه زنان اباعبدالله‌الحسین شرکت می‌جست. روحش شاد و یادش گرامی باد.



اغولو

جواد غلام نژاد جبری



اصغر که در بین بچه‌های چهار محل به اسم (اغولو) معروف بود.

در نوروز سال ۱۳۹۰، روبه‌روی پارک تی وی در بندر بوشهر، جلو قایق را در کنار ساحل به بولت چسبانده بودم تا مسافران را برای گشت دریایی سوار کنم که پسر ۷ تا ۸ ساله‌ای با موهایی فرفری و رنگین پوست سوار قایق شد. آمد رو به روی من و دو دستش را روی پهلوهایش گذاشت و گفت «عمو منم با خودت می‌بری دریا؟» نگاهی بهش کردم در چشمانش برقی خاصی داشت، متوجه علاقه‌اش به دریا شدم. بهش گفتم «یالله جلیقه ها را بده به مسافرها و بعد خودت هم بیا اینجا بشین». جلیقه‌ها را یکی یکی به مسافرها داد و بعد آمد کنارم نشست و خیره به من شد. بهش گفتم: «اسمت چیه؟» گفت: «اغولو» گفتم: «میخوای جاشو بشی؟» جواب داد: «ها! علاقه به دریا دارم، هرچی بگی گوش می کنم.» یک جورایی ازش خوش آمده بود. دستم را بردم جلو و بهش گفتم: بزن قدش و اغولو هم با تمام قدرتش زد کف دستم. انگار دنیا را فتح کرده بود و بعد سرش را رو به جلو قایق کرد و شروع کرد به دست زدن و مسافران هم او را همراهی می کردند. مسافران را دور دادیم و بعد که می‌خواستند پیاده شوند، «اغولو» در حال جمع کردن جلیقه‌های کف قایق بود که یک مسافر عیدی به اغولو داد. اغولو همینطور که جلیقه‌ها در دستش بود گفت پول را بزار جیب پشتم. تا مغرب وقت سرخاراندن هم نداشتیم و هر سرویس از اغولو عکس می گرفتند، بهش عیدی می‌دادند. مسافران به اغولو می گفتند که تو همان بازیگر تبلیغ زمزم، پپسی‌کولا هستی و اغولو نگاهی ناراحت بهش می کرد و می گفت: «مو اغولو بچه بوشهر چهار محل هِسُم...»

اغولو با آمدنش روزی و درآمد بیشتری را با خود به قایق آورده بود. دیگه وقت رفتن بود. اغولو ناراحت بلند شد و رفت جلو قایق و قبل از این که پیاده بشود گفت: «ناخدا فردا هم می‌توانم بیام؟» نگاهی بهش کردم و گفتم: «بله فردا صبح ساعت ۸ همین جا باش» سرش را بلند کرد و با لبان خندانش با دو از قایق پیاده شد.



فردا صبح آمدم همان مکانی که مسافرکشی می کردم. از دور دیدم که اغولو نشسته و منتظر من هست، همین که نزدیک شدم بلند شد و شروع به دست تکان دادن کرد و می پرید و می گفت: «هی، هی، هی»، نزدیک شدم، قایق را به بولت چسباندم و اغولو پرید داخل قایق و آمد سمتم و گفت: «ناخدا مسافر گرفتما، دورشون میدی؟» نگاهش کردم دستم را بردم سمتش و گفتم: «بزن قدش و بگو بیان بالا» و اغولو بازم با تمام قدرتش زد روی دستم و رفت جلوی قایق و به مسافرها گفت: «یکی یکی بیایین پایین و اگر شلوغ کردین پیاده‌تون می کنم». تعداد مسافرها نسبت به تعداد قانونی بیشتر بود ۱۰ نفر بودند. سوارشون کردیم و حرکت کردیم در برگشت قایق گشت مرزبانی ما را گرفت و گفت: «دفترچه قایق را بده» من دفترچه را بهش دادم. نگاهی کرد و گفت: «تو خودت سنت قانونی نیست و پشت سکان هستی، تخلف هم می کنی؟» یهو اُغولو از زیر فرمان که در حال خالی کردم آب قایق بود بیرون آمد و گفت: «منم جاشوش هسم» همه خندیدند و باز اغولو گفت: «سیچه می‌خندینا» فرمانده قایق گشت گفت: «به عموت بگو تا بیاید و دفترچه را ببرد و حال احتیاط کنید و بروید مسافران را پیاده کنید.» قایق گشت که حرکت کرد. اغولو گفت: «سیچه دست نمی‌زنین» و مسافران شروع به دست زدن کردند.

اغولو انگار دریا و موسیقی را می‌شناخت. گاهی اوقات دستش را به کنار قایق میزد و شروع به موسیقی زدن می کرد، صدای ضرب و تمپو را در می‌آورد. همه مسافران تا وارد قایق می‌شدند، یا باهاش عکس می گرفتند یا اغولو را می بوسیدند. مهر خاصی داشت، همه را جذب خودش می کرد. به دریا خیلی علاقه داشت. می گفت: «مو یک روزی ناخدای غراب میشم و تمام دریاها را می گردم و میرم تمام کشورها عکس می گیرم، یک هدیه با خودم سیت میارم، عکستم میزنم داخل اتاقم که حواسم بهت باشه، ولی عیدها میام جنبت تا با هم مسافرکشی کنیم.» اغولو خیلی دنیای خوشی داشت، همیشه می‌خندید و شاد بود. انگار روی زمین زندگی نمی کرد. قلبی بزرگ داشت.

اغولو تا پایان تعطیلات نوروز که ۱۳ بدر بود، ماند و روز آخر که از پشت سکان آمدم کنارش، اشک در چشمانش جمع شده بود و آمد در بغلم و گفت: «ناخدا دلم سیت تنگ میشه، سال دیگه هم بیام بات؟» بهش گفتم: «حتماً منتظرت هستم.» و با دو رفت بالا، همینطور که از ساحل دور می‌شدم هنوز اغولو داشت برای من دست تکان می‌داد... .

اغولو الان یکی از نوازنده‌های خیلی خوب ضرب و تمپو شده، مثل بچگیش هنوز کاراکتر خاصی داره و مهارت خاصی که در زدن این ساز دارد، منحصر به فرد است و سبکی برای خودش دارد.

عکس از : پیام شادنیا

شعر از اکبر قاسمی

بزن بارون بزن بارون که دلتنگِ صِداتُم
بزن بارون همیشه پا و پاتُوم
بزن بارون که دشتستوُن خُمارهِ
بزن بارون که باغسوُن اُوُ نِدارهِ
بزن بارون که گندم زار خشکِ
نه سالِ میمینوُ نه مُوُشکِ
بزن بارون که دِل ناجور تنگِ
بزن بارون که تا هر جی قِشَنگِ
بزن بارون که همه جوُن بگیرن
بیابوُنَل سروُ سامُوُن بگیرن
بزن بارونُ و گِز دوُنِ شیرین کن
سراسر دشتستوُنِ دلنشین کن
بزن بارون همه چیش انتظارِیم
بیای اول بریم غله بکاریم



عشقت از همه عطرهای دنیا خوشبوتره...

تقدیم به روح پدرم وتقدیم به همه پدران از رفتگان و باز ماندگان...

خاتون جمالی



به تندی معروف بود، اما دخترکش پشت اون همه تندی، روح بزرگی می دید که کمتر کسی دیده بود.

باید خیلی ریزبین بود و عینکت را روی رفتارش زوم می کردی تا بتونی پشت قیافه‌ی ظاهرا عبوس و خشکش چیزی ببینی...

اما دخترش ذاتا با موهبتی که پروردگار بهش داده بود، می تونست بدون عینک و سمعک ببینه و بشنوه که پدرش بارها بارها با رفتارش دوستت دارم را جار میزنه.

عصر هست و دخترک برای رفع دلتنگی با پدر و مادر دیداری تازه می کنه.

هنوز نرسیده که پدر از کشو میزش یه لیمو شیرین درشت که گویا با پرتقال هم پیوندی داره، بیرون میاره، رو به سمت دخترک کرده و با اون صدای زمخت و لبخند کمتر دیده شده اش میگه: بیا! اینم برای تو، دو سه روز که برات نگه داشتم ...

این اولین ثمر درخت لیموشیرین پیوندی هست که پدرش توی حیاط کاشته، بیشتر از پنج تا دونه میوه هم نداده...

دخترک در حالی که دست دراز می کنه که میوه را برداره، این صدا را می شنوه که پدر با زبون بی‌زبونی فریاد میزنه؛ دوست دارم...

توی چشمای پدر نگاه میکنه و با لبخندی پر از شعف میگه : به به ...ممنووون...و بعد در حالی که میوه را بو میکنه با خودش میگه: پدر! عشقت از همه ی عطرهای دنیا خوش بوتره...

دلش میخواد که الان بپره باباش را بغل کنه و ببوسه و بهش بگه خیلی دوسش داره، اما به همون دو تا کلمه بسنده میکنه...

اما سرانجام اون میوه هم عجیب بود، دخترک دلش نمیومد اون میوه را بخوره،آخه! عشق را که نمیشه خورد، بلکه بایدنگه اش بداری و ازش محافظت کنی.

اون میوه هم که بوی عشق ناب پدر و دختری را گرفته بود، هیچ‌وقت خراب نشد، فقط کم کم گذر زمان پیرش کرد و خشک شد.



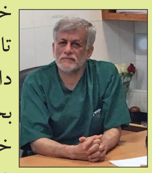
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

فقر؛ دستاورد توزیع ناعادلانه ثروت در کشور

دکتر عبدالرحیم مهرور



خبر بسیار غم‌انگیز و تاسف‌برانگیز بود: در حالی‌که دانش‌آموزی در شهر یاسوج بخاطر تنگدستی خانواده‌اش خودکشی کرد، در تهران کنسرو خوراک گوشت آبدار سگ (مخصوص سگ‌های بالغ) به قیمت ۵۵۰ هزار تومان بفروش می‌رسد!

هر پدیده ناهنجار اجتماعی به یکباره شکل نمی گیرد و سریع هم از بین نمی‌رود بلکه دستخوش حوادث هموار و ناهمواری‌هایی است که بنام قانون بر فرق فقرا فرود می آید و بنفع ثروتمندان مصوب می‌شود. یکی از این حوادث مهم، شکاف طبقاتی است که بیشتر در کشورهای کمتر توسعه یافته شکل می گیرد و موجب ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله طلاق، بزهکاری و بعضاً خودکشی می‌شود.



راستی چگونه در یک جامعه غنی و یا در حال توسعه، فقر رشد می کند؟

آیا فقر ازلی و ابدی است یا این‌که دستاورد برخی از مدیران بی‌کفایتی است که بیشتر به فکر رانت هستند؟ مگر می‌توان در جامعه‌ای که از لحاظ دارا بودن منابع معدنی و انسانی، غنی است فقر را چنان لمس کرد که دانش آموزی به علت تنگدستی خانواده‌اش، دست به خودکشی زند.

اصولا فقر بزرگ‌ترین معضل اجتماعی دولت‌ها و ملت‌هاست و نمی‌توان با سطحی‌نگری به آن توجه کرد. فقر پدیده یا زخم نوظهوری نیست که بتوان با یک باندپیچی ساده، آن را درمان کرد بلکه رابطه مستقیمی با ناهنجاری‌ها و تبعیض‌های جامعه دارد.

بنابراین با کمیته امداد و پرداخت یارانه نمی‌شود به طور دائم به جنگ فقر رفت، زیرا این پروسه‌ها مُسکن‌های ضعیف و موقتی بوده و بهترین راهکارش تدابیر عقلانی، مماشات و ارتباط نزدیک با اقتصاد جهانی است.

فقر نتیجه تقسیم ناعادلانه ثروت درکشور بوده و زاییده شکاف طبقاتی است که یک طرفش سیاست‌های نادرست اقتصادی ناشی از مدیران نالایقی است که با تظاهر به تعهد، از جیب ملت برداشت‌های سیری‌ناپذیری دارند و با انبوه ثروت و مکنت، بر شانه فقرا پوست‌اندازی کرده و بر آنان فخر می‌فروشند . فقر حاصل اقتصاد شکننده‌ای است که نمادش رشوه‌ها و اختلاس‌های کلانی است که روزانه در کشور جا بجا می‌شود و با تحریم‌ها، عده‌ای را به نان و نوایی رسانده و تعداد کثیری را بی‌خانمان و به حاشیه شهرها رانده و در آخر به طغیان یا خودکشی ختم می‌شود.

افتخاری تاریخی برای ورزش بوشهر

بوشهری‌ها؛ خط آتش تیم ملی فوتبال در جام ملت‌های آسیا

درخشش سه بازیکن بوشهری تیم ملی فوتبال ایران در بازی‌های جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ در قطر، باعث سربلندی و افتخار مردم استان بوشهر شده است.

برای اولین بار در طول تاریخ ورزش کشورمان، هم‌زمان سه بازیکن فوتبال از استان بوشهر در تیم ملی فوتبال حضور دارند و در مهمترین جام آسیایی، توانسته‌اند به تاثیرگذارترین بازیکنان تیم ملی تبدیل شوند.

امروز مثلث هجومی تیم ملی، ساخت بوشهر است. مهدی طارمی و محمد محبی به همراه مهدی قائدی مثلث هجومی و ویرانگر تیم ملی را در جام ملت‌های آسیا تشکیل می‌دهند و کشورمان را امیدوار برای رسیدن به قهرمانی در این مسابقات نموده‌اند.

حضور هم‌زمان مهدی طارمی، مهدی قائدی و محمد محبی در تیم ملی فوتبال کشورمان، نشان می‌دهد که این خطه از میهن عزیزمان ایران، تا چه اندازه زمینه پرورش استعدادهای فوتبالی را در سطح ملی دارد.

اما آن چه باعث حسرت فوتبال‌دوستان بوشهری شده است، بی‌مهری و بی‌توجهی به تیم‌های فوتبال این استان است بطوری که این کم‌لطفی باعث شده تا عملا تیم‌های فوتبال استان بوشهر از صحنه اول فوتبال کشور کنار گذاشته شوند و وضعیت بسیار تاسف‌آوری را داشته باشند.







بوشهر و ظرفیت گردشگری خلیج فارس

حسین شادکامی - کارشناس صید و بهره برداری



امروزه گردشگری یک صنعت درآمدزا است که کشورها تلاش می‌نمایند تا بتوانند از این صنعت بیشترین بهره را نصیب خود کنند. این صنعت به پشتوانه تمامی افراد با جامعه گره می خورد و بیشترین بهره به کسانی می‌رسد که در این راستا خدمات‌رسانی و مشارکت نمایند. (راهنمایان، هتلداران، حمل نقل، کسبه، استراحتگاه‌ها، تفرجگاه‌ها ...).

استان بوشهر با توجه به تاریخچه تمدنی ۳۰۰۰ ساله خود و با طول ۹۲۷ کیلومتر پسکرانه سواحل خلیج فارس، ظرفیت بالایی در جذب گردشگری دارد.

اولین نگاه در جذب گردشگر می‌تواند با ظرفیت شناسایی و به معرض دید قرار دادن حیات زیست طبیعی انواع آبزیان در خلیج فارس، توسط گروه‌های متخصص، غواصی، تاکسی‌های زیر دریایی و یا آسانسور زیرآبی در مناطق صخره‌ای و مرجانی اطراف خارگ و خاگو باشد که بسی دیدنیست و جذاب.

بازدید از جنگل‌های حرای نایبند و حله و نخیلو، مناطق صخره‌ای حفاظت شده و تشویق سرمایه‌گذاران جهت مشارکت ساخت آکواریوم‌های طبیعی در دریا و نیز برگزاری فستیوال انواع ورزش‌های آبی و دریای (قایقرانی، جت اسکی، کایت بوردینگ، قایقرانی بادبانی، واترپلو و شیرجه ...) وکاربری رستوران دریایی، گشت‌های دریایی در خورها و سواحل شهرستان‌های ساحلی، آموزشگاه‌های دریایی، به خصوص غواصی، ماهیگیری با قلاب (که تاکنون کمتر توجه به آن شده است) را می‌توان در مدیریت گردشگری شهری و استانی مورد توجه قرار داد.

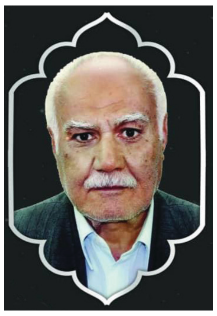
بدین طریق می‌توان تحولی در نگاه زیست بوم منطقه‌ای و حفظ و صیانت آبزیان به وجود آورد و آن را برای دانشجویان، پژوهشگران، محققین زیست محیطی و گردشگران (علمی، تحقیقی، و تماشای حیات وحش آبزیان دریایی) برای گردشگر داخلی و خارجی جذاب و با اهمیت کرد.

این ظرفیت‌های خلیج فارس و سواحل آن فقط از طریق شکار و صید و صیادی موجودات آبزی به معرض نمایش گذاشته شده است، که اگر جهت اشتغال به همین منوال پیش رویم، به فاصله زمان اندک موجب به انقراض کشیدن گونه‌های آبزیان و به مخاطره انداختن حیات وحش زیستی آنان در خواهیم بود.

تغییر در نگرش امروزی و جایگزین آن، به نمایش قرار دادن این ظرفیت‌های ساحلی در آب‌های استانی در نوار ساحلی خلیج‌فارس، یکی از مسئولیت‌های جامعه امروزی است که می‌بایست توجه ویژه‌ای به آن داشت. احیای صنعت گردشگری موجب امنیت در زیست بوم خلیج‌فارس در مرزهای استانی بوشهر خواهد گشت.

در رثای مدیر با اقتدار مدرسه زنده یاد «ماشاالله رفاهی»

چشم ما در پی خوبان جهان خواهد بود
ای وجود بی کران
ای والامقام



ای که همچون باران بر کویر خشک اندیشه‌مان باریدی.

ما دانش‌آموزان همچون گل‌بوته‌های کنار جویبار، تشنه زلال معرفت بودیم و در انتظار جاری آب.

ما «مهرانی‌ها» لوح سفید دلمان را به امانت به تو سپردیم تا در قلب‌هایمان مشعل هدایت و دانش بیفروزی، ما درس چگونه زیستن را از شما آموختیم و تمام دار و ندارمان کوله‌باری شد از دروس و آموخته‌های شیرین و مفید که سال‌ها پیش در دستهای‌مان نهادی تا سربلند به مقصد برسیم.

پس تو را ای معلم، ای بزرگ مرد؛ به وسعت نامت سپاس می‌گوییم و یادت را گرامی می‌داریم.

دانش آموزان دهه ۱۳۵۰ مدرسه بیاد ماندنی «مهران» بوشهر - زمستان تلخ ۱۴۰۲



کتاب گام‌هایی برای بهتر شدن

(خودآگاهی و افزایش سلامت روان برای غنی‌تر کردن زندگی)

نوشته دکتر یونس قیصی‌زاده

فروش در بوشهر:
***کتابفروشی پاتیزه**
(خیابان امام، روبه‌روی انتقال خون)
***کتابفروشی پارکر**
(بلوار لیان)
***کتابفروشی علیباشی**
(خیابان معلم)
***خانه کتاب**
(خیابان عاشوری، نبش بهارستان ۳۳)

خرید (با پست رایگان):
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹